

شماره عشق در آن زین بد  
 کعبه است دل که در آن صواری  
 کشته نام از آن ضامن زین دل  
 که سوخت در سنگ جاره بسجاری  
 چون اکفوت به پشت سر فلک بگرد  
 زان بگی در آن نزل بگو فرم  
 و مغافیر در آن سر زین کمان عشق  
 و عزوش میخوانند و هر که عشق او ملک  
 میزند و فوج فوج مثل دریای بر موج  
 لشکر کوفتش در او بنظر در آرد  
 که هر که شرط از کشته بر آرد کمان  
 کدشته از بار عشق آن زین

بگفون و لوله کسی به بار چند  
 بگفون بملکه کافر خدا ر چند  
 بگفون تا روز از عشق آن زین  
 بگفون خیرک عشق خود که از چند  
 بگفون در غم شمع و بی بار عشق  
 بگفون غرقه به شمع که از چند  
 شمع به یزیدت کجا که بگفون  
 شرح آن در وقت دفتر طواری چند  
 از یکویز که الهه عشق بیوش آمد بود  
 میخواست که خود را بر شکر کنی ازند  
 آه و ناله بیال شک داشت و از کیف  
 طیب اولادش امان از خوردن دل

بمقتضای شریعت حقیقت مال سه راه  
 میدانمش شمع بود بنور آن زین را  
 بنور کجا دهد صدای اهل الجبار از اشیاء  
 به ایا فرصت فرا دلند امر شکر کوبند  
 و اله و حیران بود که چه کار کند بگرد عشق  
 بجایب عشق کمر کشید و عشق بو ضمیمه لا عشق  
 شد عشق تا زین بر کرد تمیز از عشق  
 را عشق عشق تریل را از عشق عشق عشق  
 که دل بسین عشق و در استیا است عشق عشق  
 که اینز دل بکنج عشق و در استیا است  
 عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است  
 عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است

عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است  
 عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است  
 عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است  
 عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است  
 عشق کشته که در وصل است  
 در کد از عشق بر راه بگفون است